نسیم جنوب
www nasimjonoub COM
سال بیست و ششم – شماره ۱۰۴۱
دوشنبه ۱۸ اردیبهشت ۱۴۰۲ ۸ صفحه – ۲۰۰۰ تومان
(مبلغ فروش به کیوسک مطبوعاتی تعلق میگیرد)

فرصت‌های بر باد رفته ایران!

مریم شکرانی



اعتراض به تخریب شبانه محل گردش مردم و کسب و کارِ کارآفرینان در ساحل بوشهر توسط شهرداری



به یاد شادروان اسماعیل نبی‌پور، معلم نمونه مدارس بوشهر

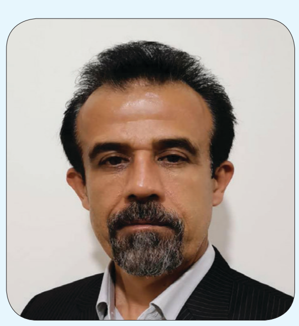
در اخلاق، آموزگاری سرآمد بود

احمد عبداللهی



ابراهیم احمدی نیا دبیر هنر در بوشهر:

آموزش هنر در مدارس، منجر به خلق آثار ارزشمند دانش‌آموزان می‌شود



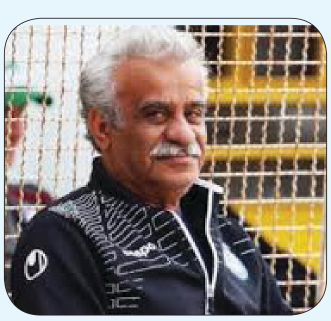
گفتگوی حسین پورصفر با حمیدرضا گشمردی شاعر بوشهری:

نگاهی به نوآوری در شعر کلاسیک و معاصر ایران



حسین طبیب نژاد موسس باشگاه دریانوردان بوشهر:

واگذاری امتیاز تیم فوتبال ساحلی دریانوردان بوشهر برای پرداخت بدهی‌ها



بیانیه شهرداری بندر بوشهر درباره جمع‌آوری میز، صندلی و سایه‌بان کافه‌های ساحلی

ضمن عرض سلام و تهیات خدمت همشهریان محترم؛ در راستای تنویر افکار عمومی نسبت به جمع‌آوری میز، صندلی و سایه‌بان کافه‌های ساحلی و همچنین شفاف‌سازی اقدامات مدیریت شهری در این راستا، ذکر چند نکته برای استحضار عموم شهروندان گرامی لازم و ضروری است:

۱. کافه‌های مزبور طی سال‌های گذشته با سفارش ویژه به افراد خاص واگذار و سال‌های سال با اجاره‌بهای بسیار ناچیز (ماهانه ۲۰۰ هزار تومان) به فعالیت‌های تجاری پردرآمد پرداخته‌اند.

۲. این کافه‌ها با گذشت زمان به‌دلیل عدم نظارت و همچنین حمایت برخی افراد خاص، به‌صورت غیرقانونی با هزینه‌های گزاف به غیر واگذار شده و به مرور زمان بدون در نظر گرفتن حق و حقوق شهروندان به پیاده‌رو و حریم ساحل تجاوز کردند تا جایی که علاوه بر معبر جلوی کافه‌ها، حریم دریا نیز جهت گسترش فعالیت تجاری این کافه‌ها مسدود شد.

۳. اجاره‌بهای ناچیز ۲۰۰ هزار تومانی قریب به پنج سال بدون تغییر ماند اما متصدیان این کافه‌ها حتی حاضر به پرداخت همان اجاره‌بهای ۲۰۰ هزارتومانی و عوارض محدود شهرداری هم نشدند و تلاش‌ها برای تخلیه این کافه‌ها بنا به‌دلایلی به بن‌بست می‌خورد.

۴. با شروع به کار مدیریت جدید شهری به‌منظور ایجاد عدالت و توازن در توزیع امکانات برای همه شهروندان و همزمان با ساماندهی دکه‌ها و املاک شهرداری بوشهر، این کافه‌ها نیز به مزایده گذاشته شد با این حال، مقاومت افراد خاص برای نگهداشتن کافه‌ها و عدم تحویل به برندگان مزایده ادامه یافت.

در پایان لازم به ذکر است که شهرداری بندر بوشهر طی دوسال اخیر با پیگیری‌های متعدد تلاش نموده تا حریم ۶۰ متری دریا را برای استفاده عموم مردم آزاد کند و در این راستا با حکم دستگاه محترم قضایی حتی دستگاه‌های نظامی نیز از قانون تمکین نموده‌اند.

با این توضیحات، قضاوت در خصوص برخورد شهرداری بندر بوشهر با افراد متخلف و پاکسازی حریم دریا برای ایجاد عدالت عمومی را بر عهده شهروندانی قرار می‌دهیم که از این شرایط خاص منتفع نبوده‌اند.

مدیریت ارتباطات و امور بین‌الملل شهرداری بندر بوشهر

پاک سازی محلات بوشهر با دستگیری ٦٨ خرده فروش موادمخدر

رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر استان بوشهر گفت: با اجرای طرح پاک سازی نقاط آلوده شهر بوشهر، ۵ کیلو گرم انواع موادمخدر کشف و ۶۸ نفر خرده فروش دستگیر شدند.

به گزارش ایرنا، سرهنگ موسی کرم‌پور در گفت و گو با خبرنگاران اظهار کرد: طرح پاک سازی نقاط آلوده شهر بوشهر با هدف افزایش احساس آرامش فردی و عمومی، پاسخگویی به درخواست‌ها و مطالبات مردمی و سلب تحرک از مجرمان و قانون گریزان اجرا شد.

وی افزود: با اجرای این طرح، چهار محله آلوده به مواد مخدر در شهر بوشهر پاک سازی و پنج دستگاه خودرو دخیل در تهیه و فروش مواد مخدر نیز از خرده فروشان توقیف شد.

پاسخ مالکان کافه های ساحل بوشهر به جوابیه شهرداری بوشهر:

واگذاری مجتمع ساحلی خلیج فارس با مجوز شورای شهر بدون هیچ رانتی بود

مالکان کافه های مجتمع تجاری خلیج فارس در ساحل بوشهر که هفته پیش سایه بان های آن توسط شهرداری تخریب شده، به جوابیه شهرداری درباره این اتفاق پاسخ دادند. در این نامه با امضای شماری از مالکان کافه ها آمده است:

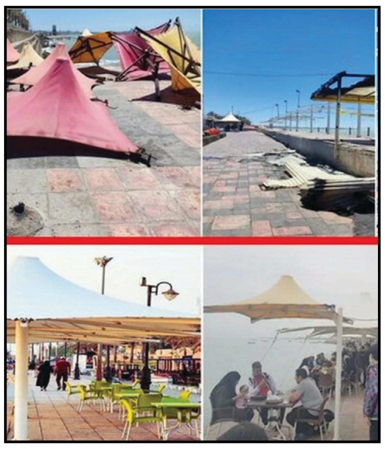
۱.قبل از واگذاری غرفه ها به اینجانبان توسط شهرداری چندین مرحله مزایده گذاشته شده ولی هیچ شخصی شرکت ننموده که پس از آن شهرداری جهت احیا این مجتمع با مجوز شورای شهر به اینجانبان بدون هیچ رانتی واگذار کرد. قرار اولیه مدت پنج سال اجاره بوده و کرایه براساس متراژ هرکافه متفاوت می باشد که درطول مدت قرارداد کلیه اجاره مربوطه پرداخت نموده ایم، لیکن شهرداری پس از اتمام قرارداد به دلیل پایان یافتن قرارداد، از دریافت اجاره خودداری نموده و چندین مرحله جهت دریافت فیش به واحد درآمد مراجعه نمودیم ولی فیش صادر ننموده اند.

۲. باتوجه این‌که این مجتمع قبل از تحویل به اینجانبان مخروبه بوده که مستندات گواه این مهم می باشد، افراد با هزینه شخصی و سرمایه‌گذاری مکان مربوطه را بازسازی نموده و به موقعیت فعلی مبدل کرده اند.

۳. با توجه به این‌که کلیه غرفه ها از زمان ساخت، هزینه برق مصرفی از طرف شهرداری پرداخت نگردیده بود، لیکن افراد بدهی قبل پرداخت نموده و هزینه مجدد جهت نصب کنتور واریز نموده و برق آن‌جا وصل گردیده است.

۴. با توجه به این‌که شهرداری حدودا بیش از چهارصد میلیون تومان از گذشته بابت آب مصرفی دارای بدهی می باشد، لیکن اداره آب از واگذاری کنتور آب به دلیل داشتن بدهی خودداری نموده، از این رو کافه‌داران روزانه چندین تانکر آب خریداری می نمایم که فیش های واریزی گواه آن می باشد که ماهیانه هرکافه چندین میلیون تومان بایت خرید آب پرداخت می‌نمایند.

۵. باتوجه به این‌که این مکان مجتمع می باشد و راه ورود و خروج دارد و محدوده اختصاصی مجتمع مشخص و پیاده رو بالای سقف ها مجتمع می باشد، پس کافه داران به حریم پیاده رو وساحل تجاوز نکرده اند و با نصب سایه‌بان شیک ودر خورشان شهروندان و مهمانان با هزینه چندصد میلیونی (با قیمت سال های قبل) تاکنون هیچ گونه اعتراضی از طرف شهروندان بخاطر سایه بان ها ثبت و گزارش نشده است. از این رو نصب سایه بانان با هماهنگی



شهرداری بوده و محل نصب سایه بان ها با هزینه کافه داران پهن تر شده و هیچ گونه مزاحمتی برای تردد شهروندان ومشتریان ایجاد ننموده است.

۶. کافه داران برای بیش از ۲۰۰ نفر به طور مستقیم اشتغال ایجاد نموده که هر نفر دارای ۳ الی پنج نفر عائله می‌باشند.

۷.در موقع ویروس کرونا هیچ درآمدی شامل کافه داران نگردید، ولی اغلب کافه داران پرسنل خود را اخراج ننموده و هر وقت بنا به اعلام وزارت بهداشت دستور تعطیلی داده می‌شد این مجتمع پیش قدم بوده است.

۸. شهرداری در اطلاعیه خود اعلام نموده که به این مکان به افراد خاص واگذار شده، لذا کافه داران از شهرداری درخواست دارند لیست افراد انتشار دهد تا در دید عموم تشویش اذعان تلقی نشود.

۹. شهرداری اعلام نموده که افراد با قیمت ناچیز از شهرداری اجاره نموده و با قیمت گزاف به افراد غیر اجاره داده اند. با توجه به بند موجود در قرارداد، شهرداری اختیار دارد با چنین افراد برخورد نماید.

۱۰. شهرداری اعلام نموده غرفه ها به مزایده گذاشته شده لیکن افراد حاضر به تحویل نشده اند. در قرارداد اولیه ذکر شده قرارداد با همین افراد فعلی قابل تمدید می باشد که شهرداری در موقع برگزاری مزایده با توجه به این‌که تعدادی از کافه داران اجاره خود را تمام و کمال واریز نموده بودند ولی از شرکت در مزایده جلوگیری شد که حق و حقوق تعدادی از افراد تضییع گردیده و افراد شرکت‌کننده جدید در مزایده موقعیت حال مجتمع را مشاهده و قیمت های گزاف پیشنهاد نمودند. اگر فردی قرار بود محل کافه را تحویل دهد باید کلیه تجهیزاتی که نصب نموده از محل جدا نموده و به حالت قبل در آورده و تحویل مستاجر جدید نماید. آیا با توجه به انجام چنین هزینه ها و سرمایه گذاری انجام شده، اینجانبان سزاوار چنین برخوردی می‌بودیم؟

۱۱. باتوجه به این‌که این مجتمع دارای هیت مدیره و مدیر اجرایی می باشد، کاش شهرداری با اعضا هیئت مدیره و مدیر اجرایی مجتمع هماهنگی لازم را انجام و موارد مدنظر را اعلام می‌نمود تا شاهد چنین اقدامی که در شان کافه داران و شهروندان و مشتریان و مهمانان نبود، صورت نمی گرفت.

۱۲. بیشتر سازه های سایه بان ها با پیچ ومهر نصب گردیده که با باز نمودن پیچ و مهره قابل بازگشایی بود که شهرداری درساعت ۳ بامداد با دستگاه برش سایه بان ها را قلع و قمع نموده است! شهرداری اشاره نموده به دستور مرجع محترم قضایی که براساس درخواست شهرداری منطقه یک درخواست تمدید مجوز جمع آوری دست فروشان و خودروهای فرسوده و وسایل سد معبر درسطح شهر را داشته، درحالی که دستور اختصاصی جمع آوری سایه بان های مجتمع خلیج فارس به روئیت اینجانبان نرسیده است.

در پایان اینجانبان به عنوان متصدیان کافه های مجتمع خلیج فارس در راستای منویات و دستورات لازمه، آمادگی هرگونه همکاری با مسئولان محترم را داریم.

دورهمی دانش‌آموزان دهه شصتی گناوه همراه با تجلیل از معلمان



شماری از دانش‌آموزان دهه شصتی دبیرستان علامه دهخدا بندر گناوه به مناسبت گرامیداشت هفته معلم روز یکشنبه در نشستی صمیمی در سالن کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گردهم آمدند و از معلمان پیشکسوت این آموزشگاه تجلیل کردند.

به گزارش ایرنا، محمد مظفری از دانش‌آموزان دهه ۶۰ این دبیرستان به نمایندگی از شرکت کنندگان ضمن تقدیر و تشکر از زحمات معلمان اظهار کرد: معلمان همچون پدر و مادر حق بسیاری بر گردن انسان ها دارند و وظیفه تک تک افراد جامعه است تا مقام آن‌ها را گرامی دارند.

وی با اشاره به این‌که بسیاری از معلمان دوره ما در دبیرستان دهخدا از نخبگان رشته خود بودند، گفت: حضور در محضر کلاس درس معلمان فرصت مغتنمی برای آموختن بود که از آن نهایت استفاده برده شد.

مظفری افزود: ما دانش‌آموزان دبیرستان دهخدا همیشه مدیون تلاش و زحمات و بزرگی و شخصیت والای معلمان‌مان هستیم.

محمد طهماسبی مدیر دبیرستان دهخدا با تشکر از برگزارکنندگان این مراسم گفت: دبیرستان علامه دهخدا در اواخر دهه‌های ۶۰ و ۷۰ بخاطر داشتن معلمان با تجربه و کاردان و دانش آموزان زبده، زبانزد بود.

وی افزود: افتخار می‌کنم که شاگردان بعد از ۳۰ سال هر کدام در گوشه‌ای از این استان مشغول خدمت به مردم هستند و وظایف بزرگی نیز برعهده آنها است.

طهماسبی گفت: شما دانش آموزان اکنون سرمایه استان و شهرستان و کشور هستید و افتخاری برای من و همکارانم نصیب شد که بعد از ۳۰ سال دوباره در کنار شما هستیم.

حسین زارعی معلم پیشکسوت زبان دبیرستان دهخدا گفت: آموختن پایانی ندارد و همیشه به دنبال آموختن چیزهای جدید باشید چون هم برای خودتان و هم برای کشور مفید است.

در ادامه این نشست، رضا علیزاده، حاج علی خدری، علی مزارعی، احمد رسولی، علی امیری، اسماعیل زمانی، جعفر بوستانی، مجید مظفری و عبدالحسین شیرافکن ضمن تقدیر از دانش آموزان و شاگردان دیروزشان از برگزار کنندگان این دورهمی صمیمی تشکر کردند.

در این نشست همچنین از معلمان فقید دبیرستان دهخدا از جمله محمود حیات داوودی و مهدوی و شیخزاده و دانش آموز فقید حسین جلال پور یاد شده و برای آمرزش آن‌ها فاتحه خوانده شد.

در این مراسم تعدادی از دانش‌آموزان دهه شصتی به بیان خاطرات دوره تحصیل خود پرداختند و در پایان از دبیران پیشکسوت این مدرسه طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲ تجلیل کردند.

بعد از این دورهمی، تعدادی از دانش‌آموزان با حضور در منزل استاد احمد گرگی معلم پیشکسوت درس عربی دبیرستان دهخدا که در بستر بیماری است عیادت و تجلیل کردند.

به یاد شادروان اسماعیل نبی‌پور، معلم نمونه مدارس بوشهر

در اخلاق، آموزگاری سرآمد بود

احمد عبداللهی



به مناسبت بزرگداشت مقام معلم یادی کنیم از آموزگار علم و اخلاق استاد اسماعیل نبی‌پور، این استاد به روایت شناسنامه در سوم بهمن ماه ۱۳۱۸ از خانواده ای متدین و مذهبی، خوشنام و ثروتمند در محله جبری پا به عرصه وجود گذاشت (بنا به گفته خودش پدرش صراف بود و هنگامی که فوت کرد چهل سند منگوله دار (سیم سرب) را از خود به جا گذاشت). وی تحت تعلیم و تربیت پدر و مادر که اولین معلمان انسان می باشند قرار گرفت. در کوچه های محلهٔ جبری بندر بوشهر به رشد و نمو پرداخت تا به سن ۷ سالگی رسید. از سن ۷ سالگی در یکی از دبستان های قدیم بوشهر ثبت نام شد و تحت تعلیم و تربیت استادان و معلمان برجسته آن روزگاران قرار گرفت. دوران تحصیلات ابتدایی را با سربلندی و افتخار به پایان رسانید و وارد دبیرستان ماندگار سعادت بوشهر گردید تا در مرتبه بالاتری از تعلیم و تربیت قرار گیرد و مراتب بالاتری از علوم را بیاموزد، بعد از سه سال تحصیل در این مدرسه در خرداد سال ۱۳۳۷ سیکل اول دبیرستان متوسطه را از دبیرستان سعادت کسب نمود و برای ادامه تحصیل در کنکور سراسری دانشسرای مقدماتی که در شیراز دایر بود شرکت نمود و با تنی چند از هم‌درسانش برای ادامه تحصیل راهی شیراز گردید.

دو سال تحصیلات دانشسرای مقدماتی شیراز را با موفقیت به اتمام رسانید. تحصیل در دانشسرا علاوه بر دروس متداول که در همه دبیرستان ها تدریس می شد، دروس خاصی هم مانند روشهای تدریس و دروس آموزش و پرورش و روانشناسی کودک و تدریس عملی در مدارس هم داشت به طوری که فرد بعد از گرفتن دیپلم دانشسرا که در دو سال تمام میشد، آمادگی کامل برای تدریس در دوره ابتدایی و اگر لازم میشد، سیکل اول دبیرستان را داشت. بار علمی فارغ التحصیلان دانشسرای مقدماتی چنان بود که با مقدار کمی مطالعه، سیکل اول دبیرستان متوسطه را به خوبی تدریس می کردند. آقای عصفوری دبیر شیمی در دانشسرای مقدماتی می‌گفت وقتی برای ادامه تحصیل به دانشسرای عالی تهران رفتم با همین دیپلم دانشسرای مقدماتی در سیکل اول دبیرستانهای تهران تدریس می‌کردم. لازم به ذکر است دروس دانشسرا غیر از دروس تخصصی و روش تدریس کتاب مشخصی نداشت، سرفصل ها بود که هر کدام از یک کتب کلاس چهارم تا ششم دبیرستان در رشته های ادبی، تجربی و ریاضی باید تدریس می شد. برای مثال ریاضی دانشسرا شامل حساب استدلالی ششم ریاضی، هندسه فضایی پنجم طبیعی، ریاضیات ششم ابتدایی جبر مثلثات و توابع از پنجم طبیعی و چهارم ریاضی باید تدریس می شد و یا طبیعی دانشسرا شامل آناتومی ششم طبیعی زمین شناسی ششم و گیاهی پنجم طبیعی باید تدریس می‌گردید.

نبی‌پور بعد از فارغ التحصیلی از دانشسرای مقدماتی شیراز به اداره کل فرهنگ و صنایع مستظرفه اوقاف بنادر و جزایر خلیج فارس مراجعه کرد و به عنوان آموزگار محل خدمت ایشان در بخش دیلم آن روز تعیین گشت و به مدت دو سال تدریس کلاس ششم مدرسه هدایت دیلم را برعهده گرفت.

نظر به این که دیپلم دانشسرا با آن همه پرباری برای آموزش و پرورش جهت شرکت در کنکور



سراسری برای وزارت علوم به عنوان دیپلم به حساب نمی‌آمد، لذا برای ادامه تحصیل در دانشگاه حتماً باید دیپلم کامل می گرفتیم. ایشان در خرداد سال ۱۳۴۵ موفق به گرفتن دپلم ادبی از اداره فرهنگ شد و برای ادامه خدمت راهی اهرم گردید و به مدت ۸ سال با عناوین آموزگار و کفیل دبیرستان نوشیروان به انجام وظیفه پرداختند. ایشان در همین دوران یعنی از ۱۳۵۰/۱۱/۱۶ برای ادامه تحصیل در کنکور سراسری شرکت نمود و در دانشسرای عالی تهران قبول شدند و از طرف اداره فرهنگ به عنوان آموزگار مأمور به تحصیل به تهران منتقل شدند. چهار سال ضمن تدریس در مدارس تهران در دانشسرای عالی به تحصیل پرداخت که بعد از ۴ سال با کسب مدرک لیسانس زبان انگلیسی به بوشهر برگشت و از سال ۱۳۵۴ به عنوان دبیر انگلیسی در دبیرستان های بوشهر به تدریس مشغول شد. نبی‌پور در دوران خدمت صادقانه اش که بیش از ۵۰ سال بود، بارها از سوی رؤسای ادارات فرهنگ و مدیران فرهنگ شهرستان و استان بوشهر مورد تقدیر و تشویق قرارگرفت. وی پس از بازنشستگی در ۱۳۷۵/۹/۳ به مدت ۲۰ سال در مدارس غیرانتفاعی به خصوص دبیرستان پسرانه دهخدا مشغول تدرسی بودند.

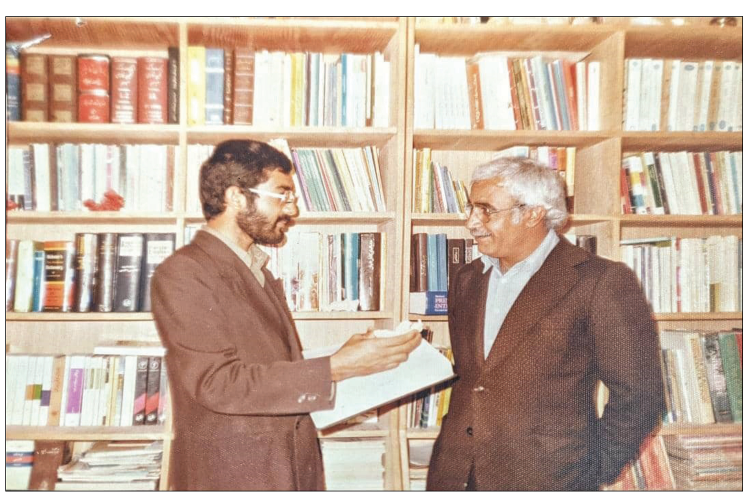
آشنایی من با شادروان نبی پور به دوران خدمت ایشان در اهرم برمی گردد و زمانی که دبیرستان و دبستان نوشیروان اهرم در یک ساختمان بود و من سیکل اول دبیرستان را می گذراندم و ایشان کلاس ششم که برادر کوچک ترم شاگردشان بود تدریس می نمودند. من در سال ۱۳۴۰ پس از خاتمه سیکل اول دبیرستان به علت نبودن سیکل دوم دبیرستان در اهرم از ادامه تحصیل بازماندم و به عنوان معلم روزمزد وارد اداره فرهنگ شدم که بعد رها کرده و در دانشسرای مقدماتی بوشهر به تحصیل خود ادامه دادم و به عنوان آموزگار رسمی وارد اداره فرهنگ شدم. از سال ۱۳۴۰ به بعد من با شادروان نبی‌پور ارتباطی نداشتم تا این که در سال ۱۳۷۰ به بوشهر منتقل شدم و پس از بازنشستگی در سال ۱۳۷۷ در سال ۱۳۷۹ در دبیرستان دهخدا که غیرانتفاعی بود مشغول تدریس گردیدم. اتفاقاً شادروان نبی‌پور هم در آن آموزشگاه زبان انگلیسی تدریس می نمود که بعد از سی و اندی سال با هم در تدریس همکار شدیم.

ایشان در اخلاق آموزگاری سرآمد بودند، در کلاس‌داری نمونه و نماینده دبیرستان در دبیرستان دهخدا بودند. همه همکاران و دانش آموزان او را دوست می داشتند، بسیار ملایم و متنین و در گرفتاری هایی که هر از گاهی در مدرسه پیش می‌آمد مشکل‌گشا بود. در سال ۱۳۹۱ به دلیل بیماری و استعفای آقای آهوچهر از مدیریت مدرسه دهخدا، دانش آموزان و پرسنل دبیرستان



دهخدا دبیرستان دکتر حسابی را تشکیل دادند که من و آقای نبی پور در آن دبیرستان مشغول کار شدیم. دراین آموزشگاه نیز ایشان سرآمد دبیران در علم و اخلاق بودند. من در سال ۱۳۹۳ با دبیرستان دکتر حسابی خداحافظی کردم که ایشان خیلی اصرار کرد که برای یک سال دیگر بمانم که نماندم. در سال بعد ایشان هم از مدرسه خداحافظی نمود و به تحقیقات علمی مشغول گشت. ایشان از سال ۱۳۹۴ تا سال ۱۳۷۹ که سال فوت ایشان است موفق به ترجمه و نوشتن پنج جلد کتاب در زمینه‌های تاریخ بوشهر، تاریخ دانشگاه جندی شاپور و... شدند. شادروان نبی‌پور بعد از یک دوره بیماری ریوی در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ دعوت حق را لبیک گفت و رخ در نقاب خاک کشید و در قطعه هنرمندان قبرستان بوشهر در آغوش خاک آرام گرفت.

روحش شاد و یادش گرامی باد.



زندگی آگاهانه

تاثیر سبک زندگی بر کیفیت زندگی

حسین زیرراهی – مدرس مهارتهای توسعه فردی



یکی از معظلاتی که امروزه در جامعه ما خیلی به چشم می‌آید و اثرات منفی آن در حال و آینده گریبانگیر زندگی نسل جوان و به تبع آن جامعه می‌شود سبک زندگی نه چندان سالم بخش بزرگی از جامعه جوان ما است. این سبک زندگی جنبه‌های مختفی از زندگی مانند تغذیه، ورزش، خواب و استراحت، اوقات فراغت و تفریح، آموزش و یادگیری می‌شود. متاسفانه دوران جوانی که بهترین زمان برای رشد و پیشرفت است بعضا آن‌قدر ناسالم سپری می‌شود که نه تنها اندوخته‌ای برای سنین بالاتر ایجاد نمی کند که حتی با آسیبهای جسمی و ذهنی هم همراه است.

آن‌چه امروزه بصورت سبک زندگی رایج بصورت بیش و کم مخصوصا در بین نسل جوان ما رایج است چیزی شبیه این است: رژیم غذایی شامل صبحانه مختصر و ناچیز، ناهار و شام دیروقت و پرچرب و سنگین، چندین فنجان قهوه در طول روز، فست‌فود و نوشابه‌های گازدار زیاد و مصرف بی‌رویه مشروبات الکلی؛ ورزش در بهترین حالت یکی دو جلسه در ماه آن هم بصورت نامنظم مانند یک جلسه استخر یا کمی پیاده‌روی؛ خواب نسبتا کم و شب‌بیداری همراه با نگاه کردن به صفحه موبایل تا دیروقت؛ اوقات فراغت روزانه معمولا فیلم، سریال، شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسانها و کلا گوشی هوشمند؛ تفریح هم شب‌نشینی کافه نشینی و مهمانی با دوستان؛ حتی تفریحات بیرونی آخر هفته به بیرون از شهر هم با کمترین تحرک بدنی و بیشترین مصرف کالری همراه است؛ مطالعه کتاب تقریبا نزدیک به صفر؛ مطالعه آزاد بیشتر مطالب زرد و سایتهای خبری؛ آموزش درحد یادگیری تجربی درمحل کار یا چند ویدیو آموزشی در یوتیوب.

اگر یک جوان فرضی از این قشر بعدا در ۴۰ سالگی با مشکلاتی مانند اضافه وزن، چربی، قند و فشار خون، ضعف بینایی، خستگی و بی حوصلگی، عدم تمرکز و توجه به مدت طولانی، بی‌هدفی در زندگی، مشکلات ارتباطی با خانواده و همکاران و اخراج از کار و بیکاری و بی‌پولی مواجه شود به احتمال زیاد دلیل آن را بدشانسی یا مشکلات اقتصادی کشور می‌داند.

یکی از عادتهای من این است که از دوستانی که در غرب زندگی می کنند و هر از گاهی به ایران می آیند از سبک زندگی معمول جامعه آنجا می‌پرسم. مثلا در مورد خواب همه این دوستان می گویند در ایام هفته بین ساعت ۹ تا ده شب می‌خوابند. در تعطیلات آخر هفته هم نهایتا تا ساعت ۱۱ بیشتر بیدار نیستند. نه از شب زنده‌داری خبری هست، نه مهمانی در طول هفته و نه قهوه خوردن تا نیمه شب. در عوض تا دلت بخواهد دوچرخه‌سواری، مسیرهای دویدن و پیاده‌روی، آمار بالای مطالعه و بازار داغ آموزش و یادگیری وجود دارد.

متاسفانه مشکل اینجا است که در کوتاه مدت نه سبک زندگی ناسالم زندگی را خراب می کند و نه سبک زندگی سالم فرد را به عرش می‌رساند. همین مساله هم حساسیت به آن را کاهش می‌دهد. ولی بعد از یک دهه آنکه سبک زندگی سالم‌تری داشته دارای روحیه و بدن سالم، درآمد و زندگی سطح بالا و روابط با کیفیت است. از آن طرف هم کسی که از سبک زندگی ناسالم پیروی می کند دچار مشکلات جسمی و ذهنی، زندگی حقیرانه و روابط حداقلی است.

حسین طبیب نژاد موسس باشگاه دریانوردان بوشهر:

واگذاری امتیاز تیم فوتبال ساحلی دریانوردان بوشهر برای پرداخت بدهی‌ها

مهدی صالحی زاده: خبر به همین سادگی، ولی باورش خیلی سخت بود؛ امتیاز تیم فوتبال ساحلی دریانوردان بوشهر به تیم شهدای حیات داوود گناوه فروخته شد. در پی عدم همکاری مسئولین بوشهر با این تیم ریشه دار و پرافتخار ایران، تیم دریانوردان دیگر در لیگ برتر فوتبال ساحلی حضور نخواهد داشت. به راستی جواب استعدادهای ناب بوشهری در فوتبال ساحلی چه کسی خواهد داد؟ آیا با خود فکر کرده اید حدود بیست جوان فعال در این تیم از این پس چه کار خواهند کرد و چه کاره خواهند شد؟ مشکلات اقتصادی یک طرف، معضلات اجتماعی یک طرف، چه کسی پاسخگوی این جوانان خواهد بود؟ در همین رابطه سخنان حسین طبیب‌نژاد موسس باشگاه دریانوردان بوشهر را در مصاحبه با نسیم جنوب می‌خوانید:

دچار وضعیتی شدیم که از نظر مالی اصلا نمی‌توانستیم ادامه دهیم

سال های سال با حمایت و کمک‌های مردمی توانستیم تیم‌داری کنیم ولی امسال دچار وضعیتی شدیم که از نظر مالی اصلا نمی توانستیم در لیگ برتر فوتبال ساحلی ادامه دهیم. آن موقع ها که بحث تکنیک و تاکتیک بود، رقابت همسان بود و ما می توانستیم با قدرت رقابت کنیم. ولی در طی این سه سال گذشته وضعیت مالی طوری شد که شرایط یکسان نبود. در دنیا، پول در ورزش حرف اول را می زند. فوتبال ساحلی از این قائده مستثنی نیست. در ایران یک تیم با ۸ میلیارد تومان هزینه میکند یک تیم هم مثل دریانوردان بین ۳۰۰ الی ۴۰۰ میلیون تومان، ما دیگر قدرت رقابت با این گونه هزینه کرد نداشتیم.

آقایان با فروش تیم مخالف بودند

از چهار ماه قبل دست به کار شدیم که یک اسپانسری خوب پیدا کنیم. که در حدود ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلیون تومان به ما تزریق کند. ما با این مبلغ می‌توانستیم هم تیمداری کنیم و هم آبروداری. اداره ورزش قول‌هایی به ما داد که می دانستیم روی این قول‌ها نمی‌شود حساب کرد. مشتری خوب هم بود و داشت امتیاز لیگ برتری ما را قیمت خوب خریداری می کرد. این موضوع را با آقایان مسئول مطرح کردیم که آن ها با فروش تیم، مخالفت کردند.

با رییس اداره ورزش استان به دیدار معاون استاندار و بعد از آن به دیدار شخص استاندار رفتیم. در آن‌جا قول‌هایی داده شد که برای شروع مسابقات لیگ برتر ساحلی به درد نمی‌خورد. در مرحله اول بازی‌ها بایستی البسه مناسب و ورودی مسابقات چیزی حدود ۴۰۰ میلیون تومان به ما می دادند که این موضوع اصلا عملی نشد. به نظر شما چه راهی برایمان باقی ماند.

امتیاز را واگذار کردیم تا حداقل بدهی‌های گذشته را بپردازیم

با خودمان فکر کردیم اگر شرکت نکنیم هر چیزی که شد، شد. ولی بعد دیدیم این تیم سقوط می کند و دو پله رده پایین تر از لیگ برتر می‌آید. می شود گفت باید از صفر شروع کنیم، طی دو مرحله با گناوه‌ای‌ها وارد گفت و گو شدیم. بار اول مبلغ مشخص شد، ولی بعد از چند مدت آن ها اظهار داشتند که ما نمی‌توانیم این مبلغ را بپردازیم. پس از چند مدت دوباره با گناوه‌ای‌ها وارد صحبت شدیم و به آنها گفتیم که ما از شمال کشور درخواست‌کننده داریم ولی حیف است که این امتیاز از استان بیرون برود. با یک مبلغ جدید و خیلی کمتر از قبل وارد معامله شدیم. تا بتوانیم حداقل بدهی‌های گذشته را جبران کنیم.



تیم داری برای ما آب و نان نداشت ولی برای دیگران چرا

شاید در این چند سال تیم داری برای ما آب و نان نداشت ولی برای خیلی‌ها در این استان هم نون داشت هم آب. از رسیدن بازیکنان به تیم ملی بگیر تا در حاشیه که به سود کسانی شد که هیچ گونه دخل و تصرفی در این فوتبال ساحلی نداشتند، ولی به همه جا رسیدند از تیم ملی بگیر تا سرپرستی آن، که در این رابطه ما همیشه بی نصیب بودیم. ما محکوم شدیم به واگذاری و راهی دیگر برایمان باقی نمانده بود.

مبلغ فروش امتیاز به اندازه سلامتی من و برادرم نبود

بعضی ها می گویند امتیاز تیم را به چه میزان فروختید؟ من می‌گویم امتیاز را به اندازه سلامتی خودم که در آن دوره فعالیت مان هم مشکل قلبی، کبد و دیابت پیدا کردم و برادرم عباس چندین بار تا پای مرگ پیش رفت و با بیماری کرونا دست و پنجه نرم می کرد و شاهد روزهای سختی بودم که خدا به ما رحم کرد. هر چه که امتیاز را فروخته باشیم به اندازه ارزش سلامتی ما نمی‌شود که طی این چند سال افتخار آفرینی کرده‌ایم.

سومین بار هم بلند خواهیم شد

یک تیم از لیگ برتر فوتبال ساحلی ایران، بازیکنی به خدمت گرفته به مبلغ ۷۰۰ میلیون تومان در حالی که ما درخواست ۷۰۰ الی ۸۰۰ میلیون تومان برای کل باشگاه کرده بودیم. آخر این کجای عدالت است؟ از ده تیم لیگ برتر، ۸ تیم به شرکت‌های دولتی وصل می‌باشند و معمولا تیم‌های مردمی هستند که توان رقابت را با این گونه تفاوت ها را ندارند. ما با تیم‌هائی مثل چادرملو، شهرداری و فولاد هرمزگان یا پارس جنوبی رو به رو هستیم. از یزد چه بگویم که در سال گذشته ۱۵ میلیارد تومان خرج کرده است. ما یک بار با پارس جنوبی به زمین خوردیم و دومین بار هم همین مرحله است. سومین بار هم خدا کریم است.

هیات فوتبال گفت ده درصد خودمان را می‌خواهیم

ما تا به امروز از جانب هیات فوتبال استان هیچ گونه تماس مبنی بر این که چه مشکلی دارید و چرا می‌خواهید امتیاز را بفروشید نداشته‌ایم. ما در این مدت که همه‌اش به فکر واگذاری تیم و جوانان بومی بودیم که چه سرنوشتی در انتظار آنها خواهد بود بودیم، اما آقایان هیات فوتبال به محض اطلاع یافتن از واگذاری تیم، به ما زنگ زدند که ما سهم ده درصد خودمان را می خواهیم. آخر این را کجای دلم بگذارم؟! ما فکر میکردیم که رابطه آقای محتشم (رئیس هیات فوتبال استان بوشهر) با ما خوب است ولی او اظهار می کند که تیم ملی برای من مهم‌تر است. هیچ کس نیست که از وی سوال کند که سرپرستی تیم ملی چگونه به شما رسیده؟! من و برادرم و دیگر دوستان زحمت کشیدیم و فوتبال ساحلی را زنده نگه داشتیم که شما به این مقام رسیدید.

به تاج گفتم خدای ما کریمه

پولی که از فروش امتیاز تیم گرفتیم بایستی بدهی‌های سه سال گذشته را بدهیم و طلب خیلی از بازیکنان را. چهار سال پیش وقتی آقای تاج (رییس فدراسیون فوتبال) و رضاییان



مدیر عامل تیم پارس جنوبی گذری از کنار زمین ما رد می شدند به تاج گفتم خدا ما کریمه، ما دوباره بلند می شویم که به یاری خدا بلند شدیم ولی نمی‌دانستیم که به این بن بست می‌رسیم.

شرمنده مردم و عزیزان هم محلی شدیم

خوب با این شرایط ما شرمنده مردم بوشهر و اهالی محله صلح آباد شدیم، سالها ما از این عزیزان کمک مالی از ۵۰ هزار تومان تا ۱۰۰ هزار تومان دریافت می‌کردیم، همیشه ما را یاری می کردند. ولی متأسفانه نتوانستیم ادامه دهیم. علی رغم این که از این محل (صلح آباد) چند ملی پوش به تیم ملی دادیم ولی از دادن این فرصت حیف شد. استعدادهای فراوانی در این محل وجود دارد. اگر دیگر استان‌ها هم استعدادهای بوشهر را در فوتبال چمنی و ساحلی داشتند، آرام نمی‌نشستند و تیم های خود را زیر پوشش می بردند. ولی چنین تفکری در بوشهر وجود ندارد.

در رده های سنی شرکت خواهیم کرد

خیلی دردآور است امسال فولاد هرمزگان ۳ یا ۴ میلیارد تومان خرج می کند برای فقط فوتبال ساحلی‌اش. چادرملو بالای ۷ الی ۸ میلیارد تومان و دیگر تیم های لیگ برتر هم به همین منوال. ولی ما چی؟ ما باید برای رده های سنی که می‌توانیم در کشور شرکت کنیم اسپانسر جور کنیم که جوانان بااستعداد بوشهر را به رخ کشور بکشیم.

از شخص محتشم خیلی گله‌مندم

بخدا خیلی خسته شدیم. از جفا کاری، بی وفایی، عدم همکاری از ناحیه مسئولین خصوصاً هیئت فوتبال استان که خیلی گله مندم. از شخص محتشم (رییس هیئت فوتبال). این تجربه‌ای شد که افراد اطراف خود را بهتر بشناسیم. انشالله پس از یک سال استراحت، سه باره به سمت لیگ برتر گام خواهیم برداشت.

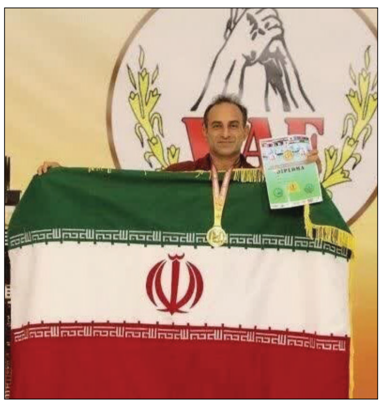
درخشش ورزشکار بوشهری در مسابقات مچ اندازی آسیا

ایسنا/بوشهر بهرام صیادجو، ورزشکار بوشهری در مسابقات قهرمانی آسیا رشته مچ‌اندازی در وزن ۷۰ کیلوگرم نشان طلا در دست راست و نشان نقره را در دست چپ از آن خود کرد.

این ورزشکار بوشهری در گفت‌وگو با ایسنا اظهار کرد: بیست و یکمین دوره مسابقات مچ اندازی قهرمانی آسیا در شهر عجمان امارات برگزار شد و بنده در وزن ۷۰ کیلوگرم مستر یک در دست راست مدال طلا و در دست چپ مدال نقره را کسب کردم.

وی تصریح کرد: با توجه به این‌که این رشته ورزشی در استان آن‌چنان که باید و شاید شناخته شده نیست انتظار داریم متولیان ورزش و رشته بدنسازی نسبت به معرفی این رشته ورزشی اهتمام داشته باشند.

صیادجو با اشاره به مشکلات متعدد برای حضور در مسابقات کشوری و بین المللی بیان کرد: بخشی از هزینه های حضور در مسابقات قهرمانی آسیا را شخصا پرداخت کردم و با توجه به این‌که به موفقیت خود ایمان داشتم ارزشش را داشت اما هستند ورزشکارانی که همین هزینه را هم برای



حضور در مسابقات بین المللی و ملی ندارند.

وی اضافه کرد: حدود دو ماه دیگر مسابقات انتخابی تیم ملی برای حضور در رقابت‌های جهانی آلماتی قزاقستان برگزار می شود و باید برای حضور در این مسابقات آماده باشیم.

صیادجو گفت: رشته مچ اندازی در استان بوشهر شناخته شده نیست اما بعد از موفقیت بنده در رقابت های آسیا شماری از ورزشکاران برای حضور در این رقابت های علاقمند شدند اما از مسئولان انتظار داریم حمایت ویژه ای از این رشته ورزشی داشته باشند.

این ورزشکار با اشاره به مشکلات مالی هیات بدنسازی بوشهر افزود: در دیدار با مدیر کل جدید ورزش و جوانان استان، خواهان حمایت از این رشته ورزشی شدم و ایشان هم با توجه به این‌که از ورزشکاران استان هستند قول حمایت دادند و امیدوارم با حمایت ایشان شاهد معرفی بیشتر رشته ورزشی مچ اندازی در بوشهر باشیم.

دعوت ۶ بازیکن بوشهری به اردوی تیم ملی فوتبال ساحلی ایران

۶ بازیکن از استان بوشهر به اردوی تیم ملی فوتبال ساحلی ایران جهت برپایی اردوی آماده سازی رقابت‌های جهانی دعوت شدند.

محمدجواد خسروی، مسلم مسیگر، سبحان فاله، علی میرشکاری، محمد معصومی‌زاده و محمد علی نظرزاده، ۶ نماینده ملی پوش استان بوشهر در اردوی آماده سازی قبل از مسابقات مقدماتی جهانی آنوک اندونزی هستند.

مصاحبه با ابراهیم احمدی نیا دبیر هنر مدارس بوشهر:

آموزش هنر در مدارس ، منجر به خلق آثار ارزشمند دانش‌آموزان می‌شود

مصاحبه از نسیم فقیه

- لطفا خودتان را برای خوانندگان نسیم جنوب معرفی کنید.

-ابراهیم احمدی نیا هستم دبیر درس هنر آموزش و پرورش شهرستان بوشهر، دارای مدرک کارشناسی هنرهای تجسمی. از سال ۱۳۷۱ تدریس درس هنر در مقطع دبیرستان متوسطه اول(دوره راهنمایی) در شهر بوشهر شروع کردم در طی این مدت تدریس علاوه بر تدریس در مدارس دوره راهنمایی شهر بوشهر، از جمله مدارس، شهید بهشتی تیزهوشان، نمونه جوادالائمه، شهید مفتح، شاهد پسران، غیردولتی سینا، به عنوان سر گروه آموزشی هنر استان، با اداره کل آموزش و پرورش استان بوشهر به مدت ۱۸ سال همکاری داشتم.

- چه شد که به هنر علاقمند شدید و رشته هنر را برای ادامه تحصیل انتخاب کردید؟

- با توجه به این‌که در دوران دانش آموزی ام در دهه ۶۰ (دوره راهنمایی) در روستای جائینک از توابع بخش ساحلی دلوار، هیچ گونه امکاناتی از جمله کتاب های هنری، ابتدایی ترین وسایل هنری و... در دسترس نداشتم،ولی علاقه شدیدی به هنر در زمینه طراحی و نقاشی داشتم که اولین جرقه های عملی شدن این علاقه، از انجام رسم‌های درس ریاضی، رسم نقشه های درس مطالعات اجتماعی و دیگر دروس دوره راهنمایی اتفاق افتاد که همین فعالیتها در کنار رسم طراحی های گوناگون از بریده های روزنامه و مجلات آن زمان، باعث انگیزه وعلاقه بیشتر من به هنر و ادامه این راه و در نهایت انتخاب رشته هنر در کنکور سراسری شد.

- معمولا مدارس زنگ هنر را جدی نمی‌گیرند، دلایل آن را چه می دانید؟

- خیلی ساده؛ بی تفاوتی و عدم توجه به پرورش استعدادهای درونی و بروز خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان،که این عدم جدیت خود دلایلی دارد از جمله: ۱-عدم بکارگیری مربی تخصصی و آموزش دیده هنر، ۲-عدم آگاهی و توجه به تأثیرات هنر در پرورش خلاقیت، استعدادیابی، روحیه تلاش و دقت، ۳-کمبود دبیران آموزش دیده رشته هنر، ۴-عدم حساسیت وتوجه بعضی از والدین به هنر مدارس، ۵-عدم جدیت در برگزاری کلاسهای آموزشی جهت مربیان هنر در مدارس از طرف آموزش وپرورش، ۶-کلیشه ای بودن تدریس هنر و عدم تنوع در ارائه موضوعات هنری.

- شما برای علاقه مند کردن دانش آموزان به هنر چه شیوه هایی را به کار گرفتید؟

- همان‌طور که می دانید تشویق و ایجاد انگیزه، اولین نکته ای است که باعث علاقه مندی فرد به انجام یک مهارت می شود، از جمله مهارت های هنری که با تشویق و ترغیب فرد به انجام فعالیت، رابطه تنگاتنگی دارد. نکته دوم علاقه مندی فرد به هنر و شناخت استعداد و توانمندی فرد در انجام فعالیت هنری می باشد. سوم، ارج نهادن، احترام و ارزش به آثار هنری دانش‌آموز. چهارم، عدم سرکوفت به آثار ضعیف بعضی از دانش آموزان. پنجم، عدم آموزش دیکته مانند هنر(در آموزش هنر تنوع بیشتری داشته باشیم تا دانش آموز در ارائه فعالیتش آزادی بیشتری داشته باشد). ششم، عدم مقایسه آثار دانش آموزان قوی با آثار دانش آموزان ضعیف. هفتم،رسیدگی دقیق و منظم به تکالیف دانش آموز جهت احساس مسئولیت و دقت. هشتم، دادن فرصت کافی به دانش آموز در انجام فعالیت‌های هنری، جهت بروز خلاقیت و رفع ایرادها. نهم، عدم تاکید زیاد به نمره گرفتن در تکالیف هنر و تاکید بیشتر به یادگیری و آموزش موارد هنری متنوع و غنی در ذهن دانش‌آموز

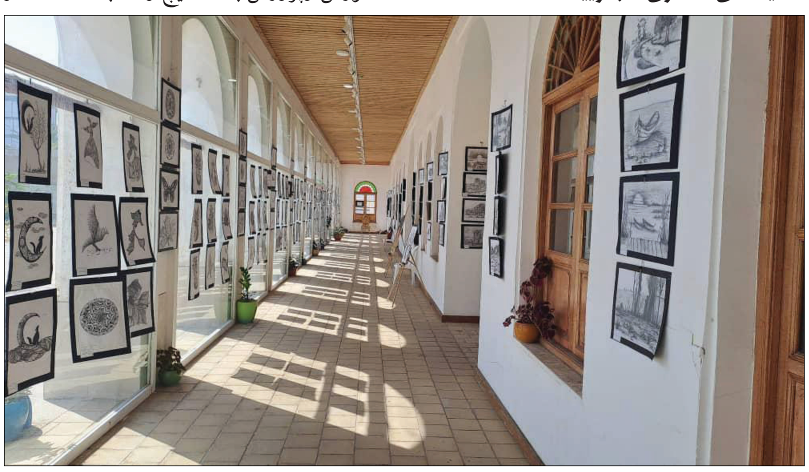
- نتیجه بکارگیری این شیوه ها در علاقه مند کردن دانش آموزان به هنر چه بود؟

۱-تلاش وجدیت بیشتر دانش آموزان در انجام به موقع تکالیف هنری ۲-علاقه‌مندی بیشتر دانش آموزان به درس هنر علی الخصوص دانش آموزان ضعیف تر در انجام تکالیف هنر ۳-شناخت بهتر استعدادهای خوب وتوانمندی هنری دانش آموزان ۴-شرکت خودجوش دانش آموزان در فعالیت‌های گروهی هنری از جمله برگزاری نمایشگاه آثار هنری،مسابقات فرهنگی و هنری و... ۵-استفاده از توانمندی هنری خود در رسم نقوش و تکالیف دروس دیگر ۶-تقویت مهارت دانش‌آموزان ۷-عدم استرس دانش آموز در انجام تکالیف هنری بدلیل عدم سخت گیری دبیر هنر در بعضی موارد.

- گویا نسل دانش آموزان کنونی مدارس علاقه‌ای به فعالیت هنری ندارند و به خاطر مشغولی‌های دیگر، هنر را جدی نمی گیرند، نظر شما چیست؟

-البته همان‌طور که در مطالب قبلی بیان نمودم، عدم تشویق، عدم ایجاد انگیزه، عدم اهمیت دادن به اثر هنری از طرف دبیر مربوطه، باعث دلسردی و عدم علاقه و بی‌اهمیتی کلاس هنر در بعضی مدارس در بین دانش‌آموزان شده است. در مدارسی که دبیر آموزش هنر، مسلط به کارش می‌باشد، چنین دیدگاهی معنا ندارد. بنده در محیط آموزشی و مدارس تحت آموزش خودم به کمک تشویق و ارزش دادن به تلاش دانش آموز، توانسته‌ام شاهد هنرنمایی خوب دانش‌آموزانم باشم.

- از تجربه کار با نوجوانان دانش آموز در فعالیت‌های هنری بگویید.



- در طول خدمتم در زمینه تدریس هنر، تجربیات و خاطرات بسیار شیرینی همواره داشته‌ام، فی‌المثل، موقع تشویق و ارج نهادن به اثری هنری یک دانش‌آموز ضعیف که قبل از تحویل تکلیف هنرش جهت ارزشیابی در ذهن خود چنین تصور نموده که معلم هنر الان به دلیل ضعیف بودن اثرم، برخورد خوبی نخواهد داشت، ولی وقتی موقع تحویل با عکس این تصور روبرو می شود، غرق در شادی، انگیزه و تلاش‌اش دو چندان می‌شود. من بارها این صحنه را در کلاسم تجربه کردم. انعکاس این رفتار باعث شده، بارها در حضور خودم، مدیر و معاونین مدرسه شاهد اعتراف و اظهار تشکر والدین دانش‌آموز مبنی بر این‌که فرزندش در انجام فعالیت‌های هنری نسبت به قبل علاقه‌مندی زیادی نشان می‌دهد، بوده‌ام.

-به تازگی شاهد برگزاری نمایشگاه منحصر به فرد در زمینه طراحی دانش آموزان درساختمان مدرسه تاریخی سعادت، از طرف شما بودیم، دراین باره توضیح دهید.

-این نمایشگاه حاصل تلاش و فعالیت دانش آموزان دبیرستان غیردولتی متوسطه اول(سینا)بود که شامل آثار طراحی سیاه قلم،آثار گرافیکی،ترسیم انواع بافت ترسیمی و... می شد. خلق آثار این نمایشگاه در طی فرایند آموزشی در طول سال تحصیلی(مهر تا اسفند) در ساعات درسی زنگ هنر درمدرسه صورت گرفت. نزدیک به ۲۴۰ اثر با موضوعات متنوع هنری که حاصل تلاش ۱۳۰ نفر از دانش آموزان بود دراین نمایشگاه شرکت داده شد. انجام این فعالیت های هنری در ساعات درس هنر در مدرسه با وجود زنگ دروس دیگر، هیچ وقت باعث اظهار نارضایتی دانش آموزان نگردیده و فقط با ایجاد انگیزه، تشویق و دادن فرصت کافی به دانش‌آموز، از همه مهم‌تر عدم سخت گیری باعث خلق این آثار ارزشمند هنری شد.

-فراگیری هنر با شرکت در کلاس های خصوصی همراه شده است که باعث می شود عده‌ای از دانش آموزان امکان فراگیری یک مهارت هنری را از دست بدهند، مدارس چگونه می توانند این خلأ آموزشی را پر کنند؟

- وجود یک مربی خوب و آشنا به آموزش هنر در مدارس می تواند این خلأ آموزشی را پر کند. وجود مربی هنر، افزایش ساعات زنگ هنر، حمایت آموزش وپرورش، و... می‌تواند منجر به خلق آثار ارزشمندی توسط دانش آموزان گردد.

- آیا فراگیری مهارت هنری در مدارس باعث لطمه دیدن دروس مهم کنکوری دانش آموزان نمی شود؟

- خیر، اگر آموزش ما براساس اصول و قواعد مشخص آموزش در مدارس تعریف شده در آموزش وپرورش باشد، هیچ وقت باعث صدمه و یا آسیب به دروس دیگر نمی شود. اتفاقاً اگر به آموزش هنر در مدارس اهمیت داده شود، باعث ایجاد نشاط، شادابی، تنوع، خلاقیت و نوآوری در دانش‌آموزان می شود. مغز انسان همان‌طور که به استراحت نیاز دارد، به انجام ورزش، فعالیت هنری،حل مسئله و... نیازمند است که این خود نیز باعث پرورش و باروری ذهن انسان می گردد. ما متأسفانه در بعضی از دروس روی آوردیم به یک سری مطالب در قالب محفوظات.یادگیری به حفظ معلومات شناخته شده (همان‌گونه که هستند) محدود شده است. در جواب سوال قبل یاد آور شدم که آموزش می تواند در قالب فعالیت‌های مکمل وفوق برنامه صورت گیرد.

با توجه به این‌که فعالیت های مکمل و فوق برنامه نتیجه‌گرا نیستند و پاسخ آن‌ها از قبل مشخص نیست، دانش‌آموزان در تلاش برای انجام آن‌ها ممکن است به نتایج متفاوت و غیر منتظره ای برسند.بنابراین این فعالیت ها فرآیند محور هستند و فرصتی را فراهم می کند تا دانش‌آموز در برخورد با مسأله تمامی ظرفیت خود را به کار گیرد.در بیشتر کشورهای جهان، اروپایی وحتی بعضی از کشورهای آسیایی به منظور گسترش تجربیات، رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان، ایجاد پرورش و خلاقیت دانش‌آموزان، استعدادیابی و شناخت علایق متفاوت دانش‌آموزان، فعالیت هنری و تربیتی مورد توجه می‌باشد.

- چه آرزویی در زمینه هنری دارید ؟

- این‌قدر به آموزش هنر در مدارس‌مان ارزش و



اهمیت قائل شویم و دانش آموزان‌مان را با فرهنگ و میراث غنی فرهنگی کشورمان که مهد هنر می‌باشد آشنا کنیم،که فرهنگ و آداب غربی در فرهنگ غنی و با ارزش کشورمان جایگاهی نداشته باشد.

- انگیزه و شوق شما در آموزش مهارت‌های هنری به دانش‌آموزان از کجا می آید؟

- تعهدی که در قبال آموزش به فرزندان سرزمینم دارم.تعهدی که به حفظ و جلوگیری از نابودی و فراموشی هنرهای غنی کشورم دارم. تعهدی که به شناساندن و زنده بودن هنر در زندگی‌امان داریم،چرا که در نقطه نقطه زندگی امان انواع هنرها موج می‌زند و از وجودشان جهت شادی، نشاط و تقویت روحی در قالب تزئین و آراستگی خانه‌امان بهره می بریم ولی کمتر به جایگاه غنی آن هنر توجه داریم. به تعهدی که ایمان دارم هنر همواره باعث ایجاد خلاقیت و تحرک فکری فرد می گردد. ملت ها با هنر زنده اند.

- چه پیشنهادی برای مدیران آموزش و پرورش و مدارس در زمینه جدی گرفتن هنر در مدارس دارید؟

۱-اختصاص و بکارگیری دبیران مجرب و آموزش دیده هنر در مدارس خصوصاً مدارس دوره ابتدایی جهت تدریس، ۲-نظارت دقیق و مستمر بر آموزش هنر در مدارس هم چون دیگر دروس، از دوره ابتدایی ۳-آموزش و برگزاری دوره‌های آموزشی جهت مربیان هنر به دلیل کمبود دبیر هنر ۴-همکاری و حمایت مدیران آموزش وپرورش از مدیران مدارس در زمینه آموزش هنر ۵-ایجاد یک کارگاه هنر در مدارس.

- سخن پایانی؟

- ما را عقیده بر این است که هم‌چنان باید کمر همت بربندیم و آستین های خدمت را بالا بزنیم و متکی بر معیارهای ارزشی خودمان باشیم که راهی بس طولانی در پیش داریم. بر خلاف آن‌چه تاکنون درباره هنر شنیده ایم، هنر ما نه تجملی و نه اضافی است. هنرمندان سرزمین ما، از گِل خام زیباترین ظروف را ساختند و با نقوش بسیارِ ساده، نگرانی‌ها و رنج های زمان خود را به گوش مردمان امروز رساندند. امروزه ما هم می‌توانیم مانند پیشینیان با هنر و فرهنگ خود که با بهره گیری از عناصر کم هزینه و ساده در راه تعالی ارزش‌های اخلاقی و معنوی گام برداشتند و با استفاده از سایر هنرها، پیوندهای فرهنگی، صنعتی و اقتصادی محکمی به وجود آوردند، در سایه همان بینش آگاهانه و با تکیه بر ریشه‌هایی که سبب باقی ماندن وحی الهی تا به امروز شده است توانایی هدایت و روشنگری راه انسان را داشته باشیم.

بنابراین با تکیه بر اصول انسان‌ساز هنر اسلامی و با ترویج این هنر صحیح، خالص و عاری از آلودگی‌های دنیای مادی می‌توان در سازندگی و گشایش افق‌های تازه پیشقدم بود. زیرا هنر اسلامی می تواند اعتدال ازدست رفته انسان سرگشته این عصر را به نظام کشاند و هویت گمشده، یا فراموش شده اش را به او برگرداند.

گفتگوی حسین پورصفر با حمیدرضا گشمردی شاعر بوشهری:

نگاهی به نوآوری در شعر کلاسیک و معاصر ایران

حسین پور صفر: منوچهر آتشی در مقدمه که در کتاب «ماهور در هامون» نخستین کتاب منتشر شده شما می نویسد: بهترین شعر و پیچیده ترین اندیشه ها نهایتاً در ساده ترین زبان ها؛ عرضه شوند. که منظورش این است قدرت واقعی شعری در ساده تر کردن پیچیده است، نه پیچیده کردن ساده ترین ها؛ مصداق سخن آتشی شاید رویکرد شما در شعر "شقایان رود" باشد.

بر تندر نگاهم / چشمان کبوتریست آسمان / که زیبایی و طراوت را / از خوشه های گندم و /خشم آرزوهایم /دانه تکانده است

یا دومین شعر این مجموعه که در آن آمده است:

با چشمان پیچ در پیچ و منقشی / در انتهای با رقه ی چکاوکان بحر شفق / درخششی آبی داشت / ارمغان ستاره ها ... .

یا در شعر سوم همین مجموعه "ماهور در هامون" که آمده است: ضربآهنگ در اوج آسمان / بارید تا زنی اساطیری شفق را / در مسیر ستاره /بزاید...

آیا تعمدی در این گونه سرودن ها دارید ؟

حمیدرضا گشمردی: طبیعی است که اگر چنین نبود زنده یاد آتشی چنین گفته ی مهمی از گوته در مورد پیچیده گویی نمی گفت. ایشان شعرهای مرا با دقت و موشکافانه می خواند. من اتفاقا هیچ تعمدی در پیچیده گویی نداشته و ندارم، شما اگر به تاریخ این شعرها نگاه کنی متوجه می شوی که مربوط به خیلی قبل تر از چاپ کتاب است. مطلب جناب آتشی روی کتاب من مربوط به سال ۱۳۷۴ است.

حسین پورصفر: در کتاب های بعدی با این که شما از این فضای شعری فاصله گرفته اید و شعر شما در فضای دیگری رقم می خورد، اما در عین حال این زبان پیچیده همچنان همراه‌تان است. مثلا شعر گلوگاه در "بازیگوشی های پشت چراغ قرمز":

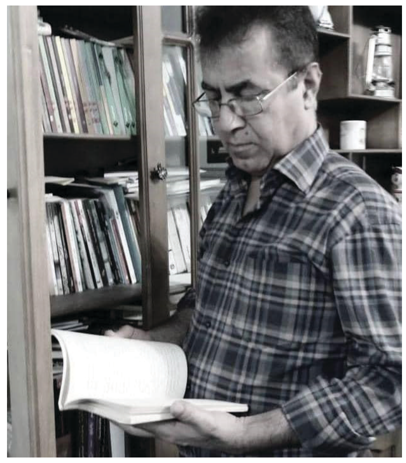
در کشتی غرق شده ی انگلیسی ها / دنبال لنگه ی گیوه ای لابد / ملکه گمشده / آناستازیا با مردی چرمی / چکمه های زمردین می پوشید / به گمان سیندرلا / از پشت درخت زردآلو/ محاصره اش کرده ام ... .

و شعرهای دیگر این مجموعه! با این که شعرهای این مجموعه در فضایی متفاوت از مجموعه‌ی اولتان سروده شده، این پیچیدگی‌ها همچنان در شعرشما رقم می خورد. این رویکرد را چگونه ارزیابی می کنید؟

حمیدرضا گشمردی: ولی اگر به آثار بعدی توجه کنید متوجه می شوید که من از این ورطه عبور کرده ام. شاید شرکت در محافل شعری بوشهر و تهران بی تاثیر نبوده که حتما بوده و شما خیلی خوب و بادقت شعرهای مرا دنبال کرده اید.

حسین پورصفر: کوشش برای تجدد در شعر چیزی نیست که با مشروطیت و یا نیما یوشیج آغاز شده باشد. قصد تجدد و تغییر در اسالیب (نمونه های شعری) شعری در هر دوره به تناسب شرایط تاریخی، مورد نظر عده ای از شاعران از دیرباز بوده است، خاقانی و نظامی و کلا مکتب آذربایجان در قیاس با شاعران پیش از خود عالما و عامدا اسلوب شعر را مورد تجدید نظر قرار داداه اند. کوشش صوفیه یکی از بزرگترین قدم ها در حوزه تجدد شعر فارسی ست. بعد از عصر حافظ همان دوره ای که ما عنوان عصر انحطاط به آن داده ایم در شاعران پس از عبدالرحمن جامی خود نوعی کوشش برای تحول شعر بوده است اما تحول به سوی بیماری و تصنع. پس از آن‌ها، اقدام شاعران سبک هندی که تمام توجه شان به تازگی "خیال ها" بود و باز خود کوشش برای تغییر بود.

بعد از شاعران سبک هندی هم کوششی که در دوره زندیه و قاجاریه برای رسیدن به زبانی مفهوم و دور از صور خیال سبک هندی که پیچیده بود



و پیچیده تر شد، خود نوعی اقدام برای تغییر بود. تجربه ی تاریخی به ما نشان می دهد که این خواست تجدد و تغییر همواره به سامان نبوده. از این نگاه بسیاری از تغییرات و نوآوری های دهه های اخیر چگونه ارزیابی می نمایید؟

حمیدرضا گشمردی: البته شما چندین سوال را در یک جا گنجانده اید از جمله عصر تجدد و نیما و مکتب آذربایجان و دوره ی انحطاط تا اقدام شاعران سبک هندی و به نظر این که دوره ی صور خیال و سبک هندی که سبکی پیچیده است و خودش اقدام برای تغییر جلوه می کند و هر چند بسامان نبوده و اعتراف دارید که تلاش برای تغییر صورت گرفته. اگر بخواهیم به معنی شناسی اشاره کنیم که ما را به ورطه ی مطالعه ی معنی و عناصر زبانی سوق می دهد. همین معنی شناسی و نشانه شناسی ما را پرتاب می کنند به کوشش صوفیه که شما آن را یکی از بزرگترین قدم های در حوزه تجدد شعر فارسی می دانید و یا عصر انحطاط که عبدالرحمن جامی نسبت می دهیم و رهگشایی بوده به سوی بیماری و تصنع.

من می خواهم از زاویه دیگر به آن نگاه کنم و آن را به نحو منطق زبان قلمداد کنم که خود می تواند فرامنطق هم باشد و این فرا منطق خود را در سبک هندی نشان می دهد و یا دارای مختصات و روابطی است که بر مبنای ساختارهای صوری و قیاسی استوار است و تا زمانی که این ساختارها از طریق تجزیه کردن بررسی نشوند خود می توانند مشکل آفرین باشند. که این مقولات زبانی اگر بخواهیم "ویتگنشتانیی" بهش نگاه کنیم که " زبان مبتنی بر منطق است " نه در هر شرایطی که دلخواه و نه دلبخواه ست. بدین طریق این تغییرات به سامان بوده و مبتنی بر اصل تغییر و یا به دنبال روش دیگری بوده. وینگنشتاین در فلسفه ی متاخر خود، در تمایز با دیدگاه رساله ی منطقی- فلسفی طرح نوعی معنی شناسی مبتنی بر زبان صوری قالب های طرح روابط معنایی پیش الگو های متنوعی به دست می دهد و تحلیل "بازی زبانی" را معرفی می کند و این امکان را به وجود می آورد تا به مفهوم انعطاف پذیرتری در قالب جملات " غیردستوری" امکان سنجش بیابند. بنابراین از این نگاه این تغییرات و نوآوری ها که تقسیمات مثلا دهه هفتاد یا تقسیم بندی های زمانی که صورت می گیرد شاید منطقی جلوه نکند زیرا در یک زمان و یک دهه با تدریج صورت گرفته. و دارای مختصات یک تاریخ خاص نمی تواند باشد.

حسین پورصفر: شعر گره خوردگی عاطفه و تخیل است که در زبان شکل می گیرد شاید علل برخی ناکامی ها در قصد شاعران برای تحدید و تغییر چه بسا به خاطر عدم توجه به نقش عاطفه و تخیل و در نظر نگرفتن نقش عاطفه و چگونگی ارتباط آن با تخیل است. مخاطب از طریق عاطفه با شعر ارتباط برقرار می کند. تخیل و موسیقی و دیگر عناصر تکنیکی در کنار امر عاطفی در شعر مشکل می گیرند و به آن معنا می دهند. از این نگاه دیگر عناصر تکنیکی شعر مقدم بر امر عاطفی نیستند. نیما یوشیج به این دلیل موفق شد شعر نیمایی را جا بیاندازد که جانب اعتدال همچنان امر عاطفی را مورد توجه جدی قرار داد. به نظر شما آیا نوآوری چند دهه ی اخیر از قبیل شعر سپید و حجم و ناب و... همچنین نوآوری های دهه ی هفتاد می شود بر اساس همین بی توجهی به امر عاطفی بررسی و تحلیل کرد؟

حمیدرضا گشمردی: نخستین بار افلاطون و بعدها ارسطو در کتاب فن شعر و در معنی هنر شاعری و تسلط قاعده مند در حرفه ی سرودن که یک قطعه شعر را متمایز می کند همان پدیده ی شاعرانه ایست که شعر را از نثر متمایز می کند. ولی از تمامی جنبه‌های شعری که همانا قالب شعر است بیان زبانی و موسیقیایی آن و نقش آن ها در اجتماع حالا به تراژدی و حماسی و عاشقانه و ... تقسیم کردن که همراه با خود بار عاطفی و تخیل هم جلوه می‌کند و به همین جهت است که به هنگام انجام مراسم عبادت، کار و رقص به همراه نواختن سازی به ناب ترین شکل تجلی می یافت و می یابد و این بوطیقا با هارمونی های مختلفی بیان شده که متمایز می کند. یک زمانی شاعر برای خودرسالتی داشت که مخاطب خود را به تحرک وا دارد به هر حال معیارها از قبل یقین شده بود.

و مورد توجه قرار دادن "هوراس" که ممنوعیت آمیختن سبک و موضوع را مورد تاثید قرارداد و شعر عاطفی به گفته ی هگل هدفی جز "ابراز ذهنیت" ندارد و اگر وارد این مباحث شویم و بیشتر نگویم که نمادگرایی "سمبولیسم" هایی مثل بودلر و مالارمه و رمبو و ... و بعد تی.اس.الیوت، پاوند و لورکا، که به تدریج تنوع بیشتری پیدا کرد و شعر در قالب های مستقل (زیبا) که شعر روایی به "هنر کلامی" مبدل شد که بیان احساسی، ذهنی، و عاطفی را به کناری نهاد و عناصر ادراکی را که زبان را در کلام و صور خیال (سور رئالیسم) را تقویت کرد و در "واقع شعر نو" دستاوردی هنری ست که با نیما شکل گرفت و هر چند روبه شدیم با ترجمه های متعدد شعری تقسیم بندی ها تحت تاثیر قرار داد و چه بسا هنوز ادامه دارد.

حسین پور صفر: اما از نظر فرم بازگشت به گذشته وشعر کلاسیک ماست. هر شعر یک تجربه است، باید تمام عناصر آن هماهنگ و در خدمت تصویر آن تجربه باشد، اگر هر پاره ای از شعر مربوط به عالمی باشد معلوم نیست در درون شعر تناقض ایجاد نکند و حتی یک قسمت، قسمت دیگر را نفی ننماید. باعث عدم ارتباط مستمر با مخاطب نگردد.

حمیدرضا گشمردی: اگر منظور مثنوی و غزل و رباعی و دوبیتی و ... است، و شما قایل به این هستید که جامعه بازگشت دارد و البته شاید داشته باشد. شاید عدم وجود تریبون برای همه این تلقی را ایجاد کرده و حالا نظرم این نیست که شر را مقابل خیر یا شب را مقابل روز قرار دهم و بهتر است بگویم شب روز مکمل همدیگرند! همان‌گونه که دریدا از زوجیت تقابل می گوید.

حسین پور صفر: این ویژگی شباهت زیادی به کار در شعر در سبک هندی دارد. در یک شعر کامل و زنده نخست باید دید عنصر عاطفی که مربوط به ارتباط با مخاطب است، چقدر بر دیگر عناصر شعر تسلط دارد.

حمیدرضا گشمردی: شاید معنا و مفهوم سبک هندی که معمولا از کنایه و تشبیه و استعاره خالی نیست و در مضمون سازی که اساس این سبک است و نقش فعالی هم دارد و قالب مسلط شعری در این سبک، غزل است که بی حد و حدود است و اگر بخواهیم به مختصات سبک هندی که سه مقوله است بپردازیم اصلی ترینش زبان است که از آن جا بود که واژگان که زبان کوچه و بازار بود به شعر راه یافت و شما حتمن به مقوله دوم که مضمون است و معناگرایی است نه صورت‌گرا ست در این سبک شعر مضامین اعجاب انگیز و ایجاد رابطه های غریب است. البته عناصر مختلفی دارد که یکی از عناصر مهم آن عنصر عاطفه است و بالاخره هر واژه ای با پوشش عاطفه در قالب شعر می تواند حسی را القا کند.

حسین پورصفر: البته نظر من این است که تخیل در خدمت عاطفه است چقدر در زبان و دیگر عناصر شعر مسلط است باید دید که اجزای شعر از کشش و تنیدگی درونی برخوردار است یا نه؟

حمیدرضا گشمردی: اگر آن ها که برشمردیم برای عاطفه یا احساس، تخیل و بخش موسیقیایی هم لابد لازمه بیان شاعرانه است. البته من می دانم اگر شما به موسیقی شعراشاره می کنید، قطعا نظرتان بر سر عروض یا هجا، موزونی یا تسجیع نیست.چه بسا نظرتان این است که همه سبک ها خوبند به جز سبک کسالت آور.

حسین پورصفر: بدون شک کمال ارزش یک تخیل در باب بازتاب عاطفی آن است، تخیلی که مجرد باشد هرچه زیبا باشد در ذهن مخاطب پایدار نمی ماند و اگر تخیل نتواند بار عاطفی به معنای بار ارتباط با مخاطب خود همراه کند کم فایده خواهد بود. مثل شعر اغلب گویندگان سبک هندی و شعر بسیاری از شاعران نو پرداز معاصر.

حمیدرضا گشمردی: این را هم بگویم که نمی‌توانم با شما هم نظر باشم در مورد سبک هندی در عین حال مدافع همه گونه شاعران نوپرداز معاصر، زیرا صائب و بیدل و ... هنوز ورد زبان است. و شما شاعران نوپرداز که به همین سادگی نمی‌توانیم خطاب قرار دهیم که هیچ مخاطبی را همراهی نکرده ولی این نظر شماست و قابل احترام.

حسین پورصفر: البته نظر من هم نه همه ی شاعران معاصر نیست ولی زبان اساس و از عناصر اصلی شعر است در عین حال زبان یک امر ثابت و منجمدی نیست و مرتب در حال پویایی و تغییرات تدریجی است و همچنین عاطفه و تخیل در شعر نیازمند زبانی هستند که ظرفیت آن ها را داشته باشد.

حمیدرضا گشمردی: زبان در مفهوم خاص خود، در اصل یکی از انواع "زبان" عام کلمه به شمار می رود و به ابزار ایجاد ارتباطی اشاره دارد که گروهی از مردم برای ایجاد ارتباط با یکدیگر به کار می‌برند اما این "زبان" در مفهوم خاص فرد تا دوره‌ی جدید به شمار نرفته (در مسئله فلسفی). اگر چه کلام هنرمندانه و شاعرانه ی هومر در توصیف احساسات گوناگون الگوی کار شاعران و نویسندگان پس از او قرار گرفته، اما در آثار وی تنها به اشاره‌هایی ضمنی درباره مسائل زبان بسنده شده است در این سروده‌ها، رد پایی از اندیشه درباره اسامی خاص، مفهوم و وجه تسمیه آن‌ها به چشم می‌خورد (برای نمونه در اودیسه) خب برگردیم به آوا و جمله (دیالکتیک) زبان، که میان تفکر و سخن گفتن تمایزی قطعی در نظر گرفته شد و این قطار همچنان در حرکت است و نه "منجمد". و هر کسی سعی در به دست آوردن فرم و زبان خاص خود است که یا تجربه نشده و اگر شده محدود بوده است.

در مدرسهٔ چشم تو

عبدالمجید زنگویی



در مدرسهٔ چشم تو شعرم فوران یافت
از عشق سخن رفت و دلم راز نهان یافت
شیرازِ رخت بستر آیین هنر شد
گلبانگ نوایم به هوایت هیجان یافت
بی‌خودشدم ازخویش ومراعشق‌بهم ریخت
وقتی نگهت در دل و جانم جریان یافت
مهرم به تو پیوسته شد ای گوهر پر ارج
ز آنگه که دلی مرده زاعجاز تو جان یافت
تا لحن نکیسایی خود ساز نمودی
آوای من از ساز وجودت ضربانی یافت
در پات گل افشان کنم اوراق بهاری
شعری که به دنیای ادیبان جَوَلان یافت
خاموش و تهی از هیجان بود زبانم
از شوق تو ذهنم شَرَر و علم بیان یافت
داروی نجاتم به کف حضرت عشق است
عشقی که از لطفش غزلم نام و نشان یافت



گالیا توانگر

دنیایی که خیس عرق کارگر است
جنازه‌اش را
لای روزنامه‌ها پیچیده‌اند
و من
بازمانده کلماتی‌ام
که باید به خطِ تولید می‌رسید
به من بگو
چه وقت چوب را از لای چرخ‌ها
بر می‌دارند؟
به من بگو
چه وقت دستانت دوباره می‌سازند؟
به من بگو
بیداری را
به دهان کدام چاپخانه بیندازم
تا تیترها آزاد شوند؟

توضیح عکس:
ماشین چاپ در باغ موزه نگارستان تهران

تجلیل از مقام ادبی عبدالمجید زنگویی

بازتاب اندیشه شاعران این دیار



در شب مشاهیر بوشهر، عبدالمجید زنگویی گفت: من چیزی نیستم جز بازتاب اندیشه شاعران این دیار نیستم و هر چه دارم به پشتیبانی وجود و آثار ادیبان جنوب است.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) در بوشهر، وی ادامه داد: در طول حیات ادبی خود، ۳۵ اثر را تاکنون منتشر کرده‌ام که ۱۲ اثر، شعر است و بقیه کارهای پژوهشی من در حوزه شعر و ادبیات است. برخی از این آثار را مثل «از کوه تا کرانه؛ شعر شهرستان تنگستان»، «شعر شبه‌جزیره بوشهر» و... با هم‌فکری و مشاوره سیدقاسم یاحسینی نوشته و منتشر کرده‌ام.

زنگویی درخصوص چگونگی روی آوردنش به حوزه فایزپژوهی توضیح داد: من از جوانی به فایز علاقه داشتم و جمع‌آوری اشعار او را از سال ۴۸ شروع کردم و پس از آشنایی‌ام با مهدی اخوان‌ثالث در آبادان، به تشویق او بود که به حوزه پژوهش در شعر این ترانه‌سرای برجسته جنوبی همت گماشتم و جمع‌آوری نسخه‌های قدیمی و کمیاب فایز را پی گرفتم.

وی افزود: پژوهش در این حوزه کار دشواری بود، برخی از این نسخه‌ها به‌دلیل گذر زمان، فرسوده و شکننده شده بودند و من و اخوان‌ثالث خیلی ظریف آن‌ها را تورق می‌کردیم اما گاهی این صفحات فرسوده می‌شکستند و کار را با چالش مواجه می‌کردند چون تشخیص برخی از واژه‌ها دشوار می‌شد.

این شاعر که مدیریت نشر «لیان» هم برعهده دارد و هم‌اینک ساکن تهران است، در خصوص آثار جدید خود گفت: تازه‌ترین اثری که راهی بازار کتاب کرده‌ام، «گستره واژگان پیوندی در شعر فارسی» نام دارد که با هزینه آقای حاجیانی منتشر شده است. این اثر هم یک کار پژوهشی است. افزون بر این، کتاب دیگری آماده چاپ دارم که به شاعران استان بوشهر پرداخته و «آهنگ سربلندی» نام دارد که قرار است به همت حوزه هنری استان بوشهر منتشر شود. همچنین ۴ یا ۵ اثر پژوهشی دیگری هم دارم که مشغول ویرایش و پردازش نهایی آن‌ها هستم.

زنگویی سپس به بزرگ‌ترین حسرت خود در زندگی اشاره و تصریح کرد: در جریان جنگ ما ساکن آبادان بودیم که به دلیل وضعیت شهر باید آن‌جا را ترک می‌کردیم و ما تنها جان‌مان را برداشتیم و شهر را ترک کردیم و تمام اموال و کتاب‌های من آن‌جا ماند. پس از برقراری آرامش در شهر، وقتی برگشتم تا کتاب‌هایم را با خود ببرم، متوجه شدم تمام آن‌ها به سرقت رفته و جالب این‌جاست که هیچ چیزی از خانه ربوده نشده بود، الا کتاب‌هایم. خیلی جست‌وجو کردم برای یافتن کتاب‌هایی که در میان آن‌ها آثار نفیسی قرار داشت ولی هر چه بیشتر گشتم، کمتر یافتم و همچنان این حسرت به همراه من است.

در بخش پایانی این مراسم، اما مهدی جهان‌بخشان، طنزنویس بوشهری با اهدای کتابی به عبدالمجید زنگویی سخت او را شگفت‌زده و خوشحال کرد. این کتاب، یکی از کتاب‌های کتابخانه عبدالمجید زنگویی بود که در آبادان در جریان جنگ به سرقت رفته بود و جهانبخشان چند مدت پیش آن را از یک دستفروش در خیابان می‌خرد و وقتی در صفحه اولش می‌نویسد که کتابخانه شخصی مهدی جهانبخشان در صفحه دوم با این نوشته مواجه می‌شود: «کتابخانه شخصی عبدالمجید زنگویی». از این‌رو تصمیم می‌گیرد که این کتاب را به صاحب اصلی‌اش بازگرداند.

زنگویی این هدیه را بسیار ارزشمند و غافلگیرکننده خواند و ابراز امیدواری کرد که این اثر سرنخی شود برای یافتن سایر کتاب‌های مفقودشده‌اش.

شب عبدالمجید زنگویی با رونمایی از کتاب «از فیض فایز» نوشته سیدقاسم یاحسینی که به همت انتشارات شروع بهار امسال منتشر شد و تجلیل از مقام ادبی عبدالمجید زنگویی که ۶ دهه از عمر خود را صرف پژوهش و شناسایی ادبیات فولکلور جنوب و فایز دشتی و شاعران بومی‌سرای استان کرده است، برگزار شد.

زنگویی؛ میراث‌دار ادبیات بوشهر است



سیدقاسم یاحسینی در مراسم شب عبدالمجید زنگویی گفت: در ایام کرونا که هیچ تحرک اجتماعی نبود، من از این چالش یک فرصت ساختم و از طریق واتس‌آپ، شش کتاب نوشتم که اولین آن‌ها، کتاب «از فیض فایز» نام گرفت که کار ناتمام مرا که از سال ۸۹ شروع کردم به سرمنزل مقصود رساند.

این نویسنده و مورخ اجتماعی یادآور شد که این کتاب در قالب گفت‌وگو با عبدالمجید زنگویی که نزدیک به ۶ دهه از عمر خود را وقف پژوهش در ادبیات فولکلور استان و جمع‌آوری اشعار فایز و پژوهش و تصحیح آن‌ها انجام داده‌است، تنظیم و منتشر شده است. از فیض فایز به همت انتشارات شروع به مدیریت علی هوشمند، شاعر و ناشر خوش‌ذوق هم‌استانی که از ناشران برجسته این خطه است، بهار امسال راهی بازار نشر شده است.

وی یادآور شد: عبدالمجید زنگویی دین بزرگی بر شعر و ادبیات ما دارد. در حقیقت او میراث‌دار و احیاکننده ادبیات بوشهر و شعر فولکلور این منطقه از دوره قاجاریه تا پهلوی است. کمترین کاری که در مقابل این خدمت بزرگ زنگویی می‌شد کرد، برگزاری چنین شب باشکوهی برای پاسداشت، تلاش‌ها و مقام و جایگاه وی در عرصه فرهنگ استان است.

دیدار با استاد مدرسه سعادت در باران اشک

مهدی جهانبخشان



دبیرستان سعادت بوشهر در دهه چهل، سرشار از دبیران باسواد و زحمتکش و دلسوز بود. البته دانش آموزانی هم داشت که ساعی بودند و اهل کتاب که قدر دبیران را بخوبی می دانستند.

دبیران با کت و شلوار و کراوات و ظاهری بسیار آراسته و ادوکلن زده سر کلاس حاضر می شدند و ما از بوی ادوکلن هرکدامشان، چشم بسته می فهمیدیم که کدامشان در کلاس هستند.

یکی از این دبیران، استاد مقصودی بود که سالهاست ساکن شیراز است. خیلی گشتم و گشتم تا رد پایی از او بیابم ولی موفق نمی شدم، تا این که یکی از بستگان شماره ای از او برایم پیامک کرد. تماس برقرار کردم و با اتوهندلم، عازم شیراز شدم.

برای دیدار پارک را محل قرار مان گذاشتیم. یکبار آمده بود و موفق نشده بود مرا ببیند. من هم به مردان مسن و سالدار نشسته بر صندلی یا رهگذر پارک نگاه می کنم که مبادا یکی از آنها استاد باشد، چون بعد از سالها تشخیص ایشان، برایم مشکل بود، بازهم زنگ زدم، از خانه آمد، از دور دستانش را بالا گرفت و بسویم آمد، بسویش رفتم و مثل باران اشک می‌ریختم.

آیا این است آن دبیر شیک با موهای سیاه روغن زده و کت و شلوار و کراوات معمولا خاکستری آن سالها؟

استاد روزگار چه معامله ای با تو کرده؟

می نشینیم، گپ می زنیم، از گذشته‌ها، از مدرسه سعادت که همچون دانشگاه بود حرف می‌زنیم.

از فلانی و بهمانی و فلانی و بهمانی سئوال می گیرد.

گاه از بعضی از آنها می گویم که جهان ما را ترک کرده اند و استاد افسرده می شود و می گوید: آخی.

غم چهره اش را در خود فرو می برد.

فیلمی از دکتر مشایخ را نشانش می دهم که از نقش استاد مقصودی در درسخوان شدنش می گوید.

استاد ذوق می کند و می گوید: چندین بار در تلویزیون دیدمش.

از آقایی که در پارک نشسته خواهش می کنم که لحظات دیدار بازسازی شده ما را فیلمبرداری کند. آقای جوان، بوشهری و آشنا از آب در می آید؛ عزیزدل، آقای حمید پوربهی.

آقایی دیگر در پارک، صحنه فیلمبرداری را می‌بیند و مدام دورمان می چرخد زیرا کلمه مدرسه سعادت کنجکاوش کرده است. سئوال می کند و جواب می شنود. معلوم می‌شود دانش‌آموز مدرسه سعادت بوده و هم استانی است، عزیز دل دکتر مقدم، متخصص و استاد دانشگاه در رشته بیماریهای عفونی.

گپ و گفتگویمان گل می کند.هر چهار بوشهری از دیدارمان خوشحالیم. زمان می گذرد وقت خداحافظی است.

استاد مقصودی قول داده است که حتما مفصلا سفری به بوشهر داشته باشد.

هفته نامه نسیم جنوب
دیرپاترین نشریه تاریخ بوشهر
تلفن های تماس
۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
۰۷۷۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷۳۳۳۲۵۹۰۰
www.nasimjonoub.com

nasimjonoub.com
نسیم جنوب
هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول وسردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس، کوچه بوستان ۳۰، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۳۳۳۲۵۹۰۰ - ۰۷۷ فاکس: ۳۳۳۲۸۱۵۱ - ۰۷۷
تلفن همراه و واتساب: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
لیتوگرافی و چاپ: بهارستان



فرصت‌های بر باد رفته ایران!

مریم شکرانی

امارات از بندر جبل علی با ۸۳ میلیارد دلار درآمد ۳ برابر نفت ایران درآمد دارد

مرکز پژوهش‌های مجلس تخمین زده که با یک "سناریوی واقع‌بینانه" و تداوم تحریم درآمد ایران از صادرات نفت و میعانات گازی در سال ۲۰۲۳ حدود ۲۷.۳ میلیارد دلار خواهد بود.

این در حالی است که مطابق اعلام اتاق مشترک ایران و امارات، امارات فقط از بندر جبل‌علی ۸۳ میلیارد دلار درآمد سالانه دارد که نزدیک به ۳ برابر درآمد نفتی ایران است و ترانزیت دریایی توانسته اقتصاد امارات را از نفت بی‌نیاز کند.

گذشته از این و مطابق اعلام سازمان تجارت جهانی، امارات به تنهایی حدود ۶۰ درصد عملیات بندری منطقه را انجام می‌دهد و از سوخت‌رسانی به کشتی‌های تجاری سالانه ۲۰ میلیارد دلار درآمد به جیب می‌زند و جالب این که تعرفه و کیفیت خدمات بندری امارات به حدی جذاب است که برخی کشتی‌های تجاری بار مربوط به ایران را در بنادر ایران تخلیه نکرده و در بنادر امارات تخلیه می کنند و بار از آن‌جا با قایق به سمت ایران حمل می‌شود و همین مساله بنا به گفته مسعود دانشمند، عضو هیئت‌مدیره کانون مؤسسات حمل‌ونقل به ایلنا ۵۰۰ میلیون دلار درآمد دیگر برای امارات ایجاد می کند.

در ایران اما، نیمی از ظرفیت کل بنادر تعطیل است و بنا به اعلام انجمن بنادر ایران از ۲۵۰ میلیون تن ظرفیت بنادر ایران فقط ۱۵۰ میلیون تن فعال بوده و در سواحل شمالی وضعیت وخیم‌تر است و ۸۰ درصد ظرفیت بنادر تعطیل است. از ۳۰ میلیون تن ظرفیت بنادر شمالی تنها ۵_۶ میلیون تن فعال است.

جایزه ملی بنیاد فرهنگی البرز به یک بوشهری رسید



جایزه ملی بنیاد فرهنگی البرز امسال به دکتر سیدحسین موسوی رئیس اورژانس پیش بیمارستانی استان بوشهر رسید. به گزارش ایرنا، رئیس دانشگاه علوم پزشکی بوشهر گفت: بنیاد ملی البرز هر سال در بخش های نخبگان، دانشمندان و پژوهشگران و ممتازان علمی کشور را شناسایی و از آنان تجلیل می کند. دکتر حسن ملکی زاده در جمع خبرنگاران افزود: گزینش نخبگان علمی کشور در چند مرحله داوری تخصصی در حوزه‌های سلامت، پزشکی، علوم پایه و فنی مهندسی انجام می‌شود.

رئیس اورژانس پیش بیمارستانی استان بوشهر پس از دریافت این جایزه اعلام کرد: رویکرد من برای حضور در این همایش ملی، ایجاد انگیزه میان کارکنان اورژانس استان و با نیت وقف علم در حوزه خدمات بهداشتی و درمانی بود.

دکتر سیدحسین موسوی اظهار امیدواری کرد این‌گونه جوایز، منشا خیر برای مردم و ایجاد انگیزه برای جامعه بهداشتی و درمانی باشد و گفت: این باور را دارم که می‌توان با تکیه‌بر توان و تعهد شخصی برای رضایت معبود تلاش کرد تا خیر آن نیز نصیب جامعه شود.

جایزه البرز در سطح نخبگان به چهار گروه دانشمندان، دانشجویان، طلاب حوزه‌های علمیه و مخترعین جوان تعلق می‌گیرد.

به بهانه تخریب تخریب سایه‌بان کافه‌های ساحل بوشهر؛

بازی شهرداری بوشهر با روح و روان مردم

ناصر صالحی- وکیل دادگستری



در شرایطی که شهر و کشور نیازمند آرامش روانی و ترمیم اعتماد بین دولت و ملت است بطور دقیق نقطه موثر و حساس خدمات عمومی را به بدترین ابزار فشار میدهیم که هیچ دلخوشی و امیدی به فردای بهتر وجود نداشته باشد.

در اجرای قانون نیز قانونگذار با تیزهوشی و دقت نظر تمامی جوانب اجتماعی را لحاظ کرده که حقوق اشخاص دیگر زایل نشود.

چرا قانون را این‌گونه با بد سلیقه گی اجرا می کنید تا جایی‌که مردم از قانون متنفر می‌شوند؟ چرا سوءمدیریت خودتان را پشت قانون پنهان می کنید و از قانونمندی چهره زشت می‌سازید؟

ناکارآمدی در تصمیمات و بی‌هدفی خود را به پای قانون ننویسید.

در این وضعیت اقتصادی و تنگنای معیشتی با این رفتار انتحاری، فقط برای نظام هزینه مضاعف درست می کنید تا عجز مدیران به حساب حاکمیت نوشته شود.مدیریت تنها یک علم نیست بلکه هنری است که با بسیاری از علوم تجربی و انسانی خصوصاً اجتماعی عجین شده است.مدیر اگر شرایط اجتماعی و اوضاع و احوال محیط پیرامونی خود را با نکته سنجی و ظرافت تحلیل نکند، می‌تواند علیرغم کارکرد تخصصی در تعارض و مقابل اجتماع و مطالبات مردمی قرار گیرد.خدمات شهری از جمله مواردی است که نیازمند مدیری با فاکتورهای مختلف است.

تخریب سایه‌بان‌های کنار ساحل از مصادیق همان سومدیریت است که بدون بررسی و بی توجهی به نقش و جایگاه مردم این‌گونه آرامش روانی شهر را برهم می‌زند.

شهرداری یک وظیفه دارد که مکلف است با اخذ عوارض و... به شهروندان خدماتی در جهت امنیت و آرامش و سلامت شهروندان ارایه کند و از هر اقدامی که موجب تشویش یا برهم زدن آسایش و آرامش جامعه شهری شود بر حذر باشد. از چندین منظر می‌توان به این مهم پرداخت که چند نکته را خلاصه عنوان می کنم.

جوالیه شهرداری آنقدر سطحی و بدون پشتوانه قانونی و غیر مستدل است که خود نشانه دامنه تفکرات و برنامه های آنها در خدمات شهری است.

در این‌جا قصد پاسخ به عناوین موجود در جوابیه را ندارم چون قانون شهرداری‌ها به طور خاص تمامی نکات را شامل می‌شود و نیازی به تفسیر ندارد.

اما آزادسازی ۶۰ متر حریم دریا از دیگر موارد بسیار جالبتر است!! شهرداری محترم این ۶۰ متر را با کدام متر و دوربین محاسبه کرده که چرخ و فلک و فانوس و رافایل و ... را شامل نشده است؟ اگر مبنای شما ۶۰متر است چرا مغازه ها را تخریب نمی کنید که به قول خودتان قانون را اجرا بکنید؟

سایه بان که خود مکانی برای استراحت مسافران و گردشگران هست چگونه سد معبری است که هیچ‌کس را آزار نمی‌دهد؟

البته بطور کلی در کشور مشاهده می‌کنیم که بعضی کارها که موجب استقبال جامعه باشد برای بعضی‌ها ظاهراً آزاردهنده بوده که به قیمت نارضایتی عمومی و تراشیدن هزینه برای دولت و حاکمیت و قوه قضاییه با سومدیریت و مقابله و ضدیت با آن خود را قانونمند و مجری قانون معرفی می کنند.که اگر گاها قانون به درستی اجرا می‌شد و تساهل و تسامح و بسیاری رأفت اسلامی و چشم بستن‌ها و سیاست ورزی نبود قطعا صندلی مدیریت برایشان تنها آرزوی محال بود.

اما داستان تخریب سایه بان های کنار ساحل چه توجیهی دارد؟

چرا در این وضعیت نابسامان اقتصادی این‌گونه بدون بررسی و با نهایت بی سلیقه ای سلب آرامش می کنید؟

اگر در شلوغی‌های اخیر سایه بان ها را تخریب و آتش می‌زدند، چه برخوردی می کردید؟

بدون شک آن‌را در راستای برهم زدن نظم عمومی، تخریب اموال مردم تلقی کرده و با دفاع از حقوق عامه از مرتکبین شاکی و درخواست مجازات می کردید.

آیا اقدام کنونی شهرداری مصداق تضییع حقوق عامه نیست؟

به فرض قانونی بودن و صحت ادعاهای شهرداری و حتی فرض باطل این‌که سد معبر هست و...آیا این‌گونه اقدامات که نارضایتی مردم را در پی دارد حقوق عامه نیست؟آیا بازی با روح و روان شهروندان موجب تضییع حقوق آن‌ها بشمار نمی‌رود؟ چرا در مدیریت شهری هیچ نشانه ای از ظرافت حتی در اجرای قانون دیده نمی‌شود؟

عجیب است که سالها هیچ مانعی نبوده ولی اکنون ۶۰ متر حریم دریا و سد معبر و مزاحمت برای پیاده روی، مورد عنایت مدیران شهرداری قرار گرفته است؟

شما نمی‌دانید که قوه قضاییه و دادستان وفق قانون حقوق شهروندی و احیا حقوق عامه می‌تواند ورود کند و سوءمدیریت و ناتوانی مدیران را حتی در اجرای قانون بعنوان تخلف مدنظر قرار دهد؟

شهرداری شایسته است در راستای زیباسازی شهر و خدمات شهری به وظیفه ذاتی خود عمل کند و طبق خواسته عمومی شهروندان محیطی زیباتر و یکدست با طراحی متفاوت از قبل اجرا نماید و چنان‌چه هیچ برنامه و یا طرحی در آن مکان نداشته باشد اقدامی بسیار نادرست و چالش آفرین رقم زده است که مورد رضایت شهروندان نبوده و مدعی العموم باید به این مطالبه عمومی رسیدگی کند و چون برخلاف بسیاری از حقوق شهروندی است، بدون شک هیچ سازمان و نهادی نیز از این گونه سلب آرامش حمایت نخواهد کرد.

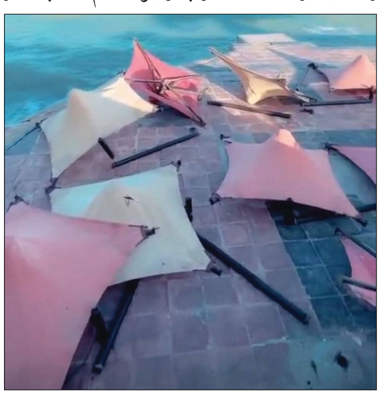
لذا شهرداری با تسریع در بهسازی فضای ساحلی و طرحی مناسب در این مکان حداقل تخصص زیباسازی خود را نمایان کند./ صدای استان

اعتراض به تخریب شبانه محل گردش مردم و کسب و کار کارآفرینان در ساحل بوشهر توسط شهرداری

علی محمدی

در روزهای اخیر خبر، عکس و فیلم یورش شبانه شهرداری بوشهر برای تخریب اموال کافه‌های ساحلی بوشهر خبرساز شده است. گرچه عده‌ای معتقدند که این تخریب شبانه بدنبال انتشار عکس و فیلم‌هایی از دختران و زنان با حجاب اختیاری در آن مکان ساحلی بوده و اصطلاحا برای مبارزه با بی‌حجابی است، ولی شهرداری بوشهر با انتشار اطلاعیه‌ای این تخریب شبانه را در راستای مبارزه با سد معبر و پاکسازی حریم دریا ذکر نموده است.

اگر بوشهری باشید و یا به بوشهر سفر کرده باشید، حتما این کافه‌های زیبا را با سایه‌بان‌های جذاب آن در کنار ساحل دیده‌اید و شاید خاطراتی هم از آن‌ها داشته باشید، اما این مکان همیشه این‌طوری نبودند. سالها این مکان مخروبه و محل امنی برای خلافکاران و... بود تا جایی که شهرداری قصد تخریب آن‌جا را داشت، تا این که چند سرمایه گذار و کارآفرین بوشهری همت نمودند و با پول خودشان کافه‌هایی را آن‌جا راه انداختند و با وجود عدم استقبال در



ماه‌های نخست و علیرغم سال‌های کرونا، آن محوطه را با پول شخصی خود و بدون کمک شهرداری سروسامان دادند و به یکی از نقاط جذاب ساحلی ایران تبدیل کردند که با پرنده‌های زیبای دریایی و نمای قشنگ ساحلی آن، خاطرات زیبایی را برای بوشهری‌ها و مسافران بوجود می‌آورد.

اکنون و در زمانی که پس از رنج‌های بسیار سرمایه گذاران، آن مکان رونق گرفته، ناگهان شهرداری بوشهر فکر مزایده آن مکان به سرش زده و در میان این همه سدمعبرهای گوناگون و قدرتمند، مشکل را در سد معبر چند سایه‌بان و صندلی دیده است!

سالهاست که سیاست واگذاری مکان‌های بی رونق و راکد به سرمایه گذاران در کشور پیگیری می‌شود و از آن استقبالی نمی‌شود، بعد شهرداری مدعی مکان مخروبه و جرم خیزی در کنار ساحل، پس از رونق آن از طرف بخش خصوصی می‌شود!

عجبا، شما چه کمکی به این بندگان خدا کردید که حالا مدعی آن‌ها شده‌اید؟ حتی در همه این سال‌ها از تامین آب شرب آن مغازه ها نیز ناتوان هستید، و حالا که زحمات و تلاش بخش خصوصی در آن‌جا جواب داده به فکر افتاده‌اید که سر سفره آماده بنشینید و با سرمایه بخش خصوصی، برای خودتان درآمدی کسب کنید؟!

آقای حسین حیدری شهردار بوشهر و اعضای شورای شهر بوشهر، اگر واقعا دغدغه توسعه و جذب سرمایه‌گذار و رونق بوشهر را دارند، باید ضمن معذرت خواهی از این کارآفرینان، دست آنها را هم ببوسند که در این اوضاع خراب اقتصادی، یک مکان مخروبه را سروسامان دادند و باعث جذب گردشگر به بوشهر شدند و چهره‌ای زیبا از بوشهر نشان دادند، نه این که شبانه آن‌جا را تخریب کنند.